

گسترش تمدن اسلامی با تکیه بر وجوه اعجاز قرآن از دیدگاه امیرالمومنین (علیه السلام)

سیده نجم السحرعابدی^۱

میناسادات حسینی^۲

چکیده

گسترش تمدن اسلامی، ارتباطی تنگاتنگ با ابعاد اعجاز قرآن و تبیین آن دارد. از همین رو در کلام ائمه (ع) وجوه زیاد و عمیقی از اعجاز قرآن برای مردم هر زمانی تبیین شده است. در این میان امام علی که قرآن ناطق هستند و برجسته ترین شاگرد مکتب وحی، سخنان فراوانی در این زمینه دارند که در پژوهش حاضر به روش توصیفی، در جهت ترویج شان و گسترش تمدن اسلامی به جنبه های عقلی و بیانی (نقلی) اعجاز قرآن پرداخته شده است. یافته ها حاکی است تبیین وجوه عقلی اعجاز قرآن مانند: اخبار قرآن از گذشته و آینده (خبرهای غیبی)، هماهنگی و عدم وجود اختلاف در قرآن، معانی و معارف والای قرآن و هماهنگی با عقل و فطرت (جامعیت قرآن، جهانی و جاودانگی قرآن)، حق و رفع کننده نیازهای بشر، تناسب قرآن با علوم روز، راهی برای گسترش تمدن اسلامی می گشاید. علاوه بر آن تبیین وجوه نقلی و بیانی اعجاز قرآن از دیدگاه امیرالمومنین ع مانند فصاحت و بلاغت قرآن، سهولت قرآن در گفتن و شنیدن و... باب دیگری در این زمینه است.

واژگان کلیدی: اعجاز قرآن، نهج البلاغه، امیرالمومنین، تحدی، تمدن اسلامی

گسترش تمدن اسلامی با تکیه بر وجوه اعجاز قرآن از دیدگاه امیرالمومنین (علیه السلام)



^۱ دانش پژوه کارشناسی رشته علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی اصفهان

^۲ دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی، مدرس جامعه المصطفی العالمیه مجتمع آموزش عالی اصفهان

مقدمه

۱. بیان مسئله

قرآن کریم کتابی است که خداوند به عنوان معجزه جاوید بر پیامبر خاص خود نازل کرده است به گونه‌ای که هیچ کتابی قدرت مقابله با آن را تا قیامت ندارد. این معجزه جاودانی است که تا قیامت باقی است. اعجاز قرآن یکی از زوایای مختلف دلیلی بر گرایش افراد به اسلام است و در عصر کنونی نیز موج گرایش به اسلام به برکت قرآن رو به افزایش است. بنابراین اگر بر شناساندن قرآن و تبیین این وجوه اعجاز آن تمرکز و سرمایه‌گذاری ویژه‌ای شود، چه بسا در همین زمان هم با وجود تمدن‌های جاهلی در بلاد مختلف، بتوان تمدن اسلامی را ترویج و گسترش داد. برای این مهم راه کار اساسی آن است که از بیانات خود قرآن و معصومان در تبیین وجوه اعجاز بهره گرفته شود. از آنجا که پیامبر اکرم (ص) درباره جایگاه امام علی (ع) می فرماید: « علی مع القرآن و القرآن مع علی، لن یفترقا حتی یردا علی الحوض » (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ج ۱، ص ۱۳۴) علی همراه قرآن و قرآن همراه علی است، این دو هرگز از هم جدا نشوند. از همین رو ابعاد اعجاز قرآن از کلمات امام علی (ع) که قرآن ناطق هستند، به روش توصیفی استخراج و تبیین می‌شود که در خطبات و کلمات و نامه های خود به مناسبت های مختلف ویژگیهای قرآن را بیان نموده اند و بارها مردم را برای عمل کردن به قرآن و تدبر در آن ترغیب فرموده اند.

۲. ضرورت و اهداف

معجزه از سوی پیامبران دلیلی برای اثبات حقانیت آنها و صدق گفتارشان است. برای گسترش تمدن اسلامی که قرآن و در پی آن مفسران حقیقی آن (ائمه) ارائه داده‌اند، ضروری است اعجاز قرآن برای مردمان هر عصری به ویژه عصر کنونی نیز تبیین شود. تبیین وجوه اعجازی قرآن از کلام معصومان از جمله امام علی (ع) که کاتب وحی و شاگرد مکتب پیامبر بوده و نسبت به قرآن آشناترند در این زمینه بسیار راهگشا خواهد بود.

۳. پیشینه

پژوهشگران فراوانی درباره ابعاد مختلف قرآن به پژوهش پرداخته اند؛ از جمله برخی از مقالات در این زمینه عبارت است از:

«اعجاز اخلاقی قرآن» اثر نرجس اخلاقی و اسماء پناهی که جامعیت گزاره‌های اخلاقی، تأثیر تاریخی قرآن در ایجاد تحول اخلاقی در جامعه نزول و نظام اخلاقی برتر قرآن کریم، مصادیق اعجاز اخلاقی قرآن در سه جنب مذکور، بیان شده است.

«اعجاز قرآن از دیدگاه امیرمومنان علی ع» نوشته منصور پهلوان، شکوه چینی فروشان که وجوه گوناگونی اعجاز قرآن مثلا اخبار از غیب، اعجاز علمی و... را بیان کرده است.

«تحقیق در وجه اعجاز قرآن کریم» از منصور پهلوان که علت استفاده نشدن لفظ اعجاز در قرآن کریم و علت اشاره نشدن به وجه فصاحت و بلاغت در آیات و روایات، جواز اطلاق این لفظ بر آیه و بینه، برهان، حجت، سلطان و... را بررسی کرده است.

اما همچنان زوایای دیگری نیازمند تحقیق و بررسی است که در این مقاله توصیف اعجاز قرآن از کلام امام علی با رویکرد اثر آن در گسترش تمدن اسلامی بررسی می‌شود.

* مفهومی شناسی

۱. معجزه

در طول تاریخ انسان همیشه با اعمال خارق العاده برخی انسانها روبه رو بوده است این اعمال خارق العاده همیشه اعجاب و تحسین بشر را برانگیخته و گاه موجب ایمان او به کسی یا چیزی و یا بی ایمانی او شده است پیامبران الهی از این اعمال خارق العاده به عنوان آیه و معجزه یاد می‌کردند و دیگران را به مبارزه برای آوردن مانند آن دعوت می‌کردند و آن را شاهد صدق نبوت خویش می‌دانستند در مقابل این سحر نامیده می‌شد و گاهی امر بر مردم مشتبه می‌گشت که کدام یک حق است از این رو مخالفان ادیان الهی به پیامبران تهمت سحرمی زدند. (رضایی اصفهانی، ص ۳۰)

۱.۱. معجزه در لغت

معجزه از ریشه عجز است و لغویان معانی و استعمالات متعددی برای آن ذکر کرده اند.

۱. برخی ریشه این لغت را (تأخر از چیزی) واز این رو در مورد آخر و پشت هر چیزی به کار می‌رود
۲. گروهی از لغویان اصل این لغت را به معنای (ضعف) می‌دانند لغت (عاجز) از همین معنی است و به زنان کهن سال نیز (عجوز) می‌گویند.
۳. برخی آن را به معنای فوت چیزی (از دست دادن) می‌دانند.
۴. بعضی آن را (یافتن ضعف در دیگری) معنی کرده اند.
۵. عده‌ای از اهل لغت نیز آرا به معنای (ایجاد ضعف در دیگری) معنی کرده اند.

به نظر می‌رسد ریشه اصلی لغت (عجز) همان (ضعف) است که در مقابل قدرت قرار می‌گیرد. این ضعف دارای مراتبی است و به همین دلیل به زنان کهن سال عجوز می‌گویند. چون طاقت و قدرت را از دست داده اند. به موخر و پشت انسان نیز (اعجاز) ایجاد عجز یا یافتن عجز در دیگران است. (همان)

دو نکته در این زمینه قابل توجه است: نکته اول: (اعجاز) به هر صورت که باشد ملازم با تأثیر تسلط، تفوق، و حکومت است.

*نکته دوم: لغت (معجزه) در روایات اهل بیت علیهم السلام به معنای اصطلاحی به کار رفته است. (همان، ص ۳۱) از جمله در کلامی از امام صادق (ع) آمده است: «المعجزه علامه لله لا يعطيها الا انبيائه و رسوله و حججه ليعرف به صدق الصادق من كذب الكاذب» (حر عاملی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۳۸۶) معجزه علامتی الهی است که آن را به غیر از انبیاء و رسولان و حجت های الهی عطا نمی کند تا به وسیله آن راست گوی راستگویان از دروغ گوی دروغ گویدروغ گویان باز شناخته شود.

۲.۱. معجزه در اصطلاح

اعجاز در اصطلاح تعریف های متفاوت ارائه شده است که برخی از نظرات عبارت است از:

الف) نظر علامه طوسی: (راه شناخت راست گوی پیامبر این است که به دست او معجزه ای ظاهر شود و آن عبارت است از ثبوت چیزی که معتاد نباشد و یا نفی چیزی که معتاد باشد در صورتی که خرق عاد بوده و مطابق ادعا واقع شود. (رضایی اصفهانی، ص ۳۱)

ب) نظر علامه حلی: که در شرح این کلام علامه شروطی را مقرر می کند: ۱. شخص معجزه گر از آوردن مثل آن عاجز باشد. ۲. معجزه از طرف خدا یا با امر او باشد. ۳. معجزه در زمان تکلیف باشد. ۴. معجزه بعد از ادعای نبوت ظاهر شود و در زمان معجزه گر، شخص دیگری مدعی نبوت نباشد. ۵. آن عمل خارق عادت باشد (همان)

ج) نظر آیت الله خوی: معجزه چیزی است که مدعی منصب الهی می آورد بطوریکه خارق عادت (خارق نوامیس طبیعت) باشد و دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند تا شاهد صدق ادعای ان منصب الهی باشد ایشان سپس چند شرط را برای صدق ادعا مشخص می سازد: ۱. امکان صادق بودن ادعا باشد. (محال عقلی نباشد مثلا ادعای خدای نکند). ۲. آن چه می گوید طبق آن انجام دهد. ۳. عمل او از مقوله سحر علوم دقیقه (غریبه) نباشد. (همان)

د) نظر علامه طباطبائی: معجزه عبارت است از امری خارج عادت که دلالت کند ماوراء طبیعت در طبیعت و امور مادی تصرف کرده است و این به آن معنی نیست که معجزه، مبطل امر عقلی و ضروری است. (طباطبائی) **۲. تمدن**

در فارسی تمدن، «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» است. (عمید، ۱۳۸۹ش: ج ۱، ص ۵۳۰) تمدن در عربی از «مدن» به معنای اقامت کردن است و در زبان انگلیسی، امروزه واژه civilization را برای تمدن به معنای استقرار یافتن به کار می برند و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است. (ر.ک. ولایتی، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ص ۳۳)

برای تمدن در اصطلاح مؤلفه‌های را مانند جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصیبت برشمرده‌اند. (ر.ک. آدمی، ۱۳۸۷: ۳۹) به اعتقاد علامه جعفری «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد‌های سازنده آن‌ها باشد.» (جعفری، ۱۳۷۳ ش: ج ۶ ص ۲۳۳)

۲. ۱. تمدن اسلامی و پایه‌ها و مؤلفه‌های آن

تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ ش: ص ۱۱۳) تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام و در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است. (جان احمدی، ۱۳۸۸ ش: ص ۵۲-۵۱). مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌شمرد که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوب هدف خلقتش برسد. (ر.ک. خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲: بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی [https://farsi.khamenei.ir/speech-
\(content?id=1138\)](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138)

بنابراین پایه‌ریزی تمدن اسلامی بر اساس آیات قرآن و توسط پیامبر (ص)، شامل شدن همه ابعاد معنوی و مادی بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها، پویایی به سبب اتکاء بر اخلاق دینی از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تمدن اسلامی است که در مواردی مانند ایمان، خردورزی، علم، مجاهدت، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد بتنی بر ربا و تکاثر، ابتکار و خلاقیت، رسانه‌های مدرن، هنر و سینما، بهبود روابط بین الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای نوین بشر و... ظهور و بروز دارد. (ر.ک. اکبری، رضایی، ۱۳۹۴ ش: ص ۸۵-۱۰۸) توجه این مبانی و شاخصه‌ها در همه امور از جمله راه‌های برون رفت از الگوسازی فراماسونری، گسترش تمدن اسلامی را به ارمغان خواهد آورد.

* گسترش تمدن اسلامی با تکیه بر وجوه اعجاز قرآن از دیدگاه امیرالمومنین ع

قرآن کریم با ابعاد مختلف اعجاز خود، توانست جاهلیت زمان نزول را از بین برد و اسلام را در بلاد گسترش دهد. در عصر کنونی که انسانیت و معنویت به همراه پیشرفت، گمشده انسان‌هاست، نیز توجه به این وجوه از جهت عقلی و نقلی به ویژه در کلام امام علی ع نیز تمدن اسلامی را می‌تواند در جهان حاکم سازد. چنان که استقبال مردم جهان به قرآن این معجزه جاوید در کشورهای مختلف شاهد این مطلب است.

۱. گسترش تمدن اسلامی با تکیه بر وجوه عقلی اعجاز قرآن از دیدگاه امیرالمومنین ع

اگر امری بر پایه اصول عقلی که مورد پذیرش همه انسانهاست باشد، قبول آن نیز قطعی، سریع و گسترده خواهد بود. توجه به قرآن کریم، این اصول و مبانی عقلی، گویای اعجاز آن است و تبیین این وجوه عقلی تمدن اسلامی را بیش از پیش گسترش خواهد داد؛ از همین وجوه عقلی مهمی از اعجاز قرآن در کلام امام علی(ع) تبیین شده است. ایشان(ع) مانند پیامبر اکرم(ص) برای گستراندن وحی را هیچ کوتاهی نکردند. برخی از موارد وجوه عقلی اعجاز قرآن در کلام حضرت عبارت است از:

۱.۱. اخبار قرآن از گذشته و آینده (خبرهای غیبی)

یکی از وجوه اعجاز قرآن خبر از گذشته و آینده است که از زمان نزول تا اکنون نیز این ویژگی را دارد و هر صاحب عقلی را به

سوی خود جذب می کند و سعی در بهره از آن خواهد داشت و با آگاهی دادن عمومی حضرت علی(ع) از این ویژگی و جذب اکثر افراد به آن، گسترش تمدن اسلامی محقق می شود: «القرآن...، ولكن اخبارکم عنه، الا ان فیه علم ما یأتی والحديث عن الماضي، و دواء ذالکم و نظم ما بینکم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸) اما من از جانب او شما را آگاهی می دهم. بدانید در قرآن علوم آینده و اخبار گذشته، داروی بیماریها و نظم حیات اجتماعی شماست. قرآن کریم هم از زندگی اقوام و پیامبران گذشته پرده برداشته و هم نسبت به آینده خبرهای را از پیش گفته است. در هر دو زمینه خبرهای داده شده خبرهای غیبی بوده اند (جوان آراسته، ص ۳۷۵) که قرآن نیز می فرماید: «تلك من انباء الغیب نوحيها اليك ما كنت تعلمها انت ولا قومك من قبل هذا» (هود آیه ۴۹) این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می کنیم پیش از این نه تو آن را می دانستی و نه قوم تو.

۱.۲. هماهنگی و عدم وجود اختلاف در قرآن

یکی از ابعاد اعجاز قرآن عدم وجود اختلاف در قرآن است. کتابی که در طی ۲۳ سال تدریجا در مکه و مدینه، در شب و روز، در جنگ و صلح، به هنگام پیروزی و شکست، در مواقع شدت و ناراحتی، و خلاصه در حالات مختلف نازل شده و در مورد همه امور سخن گفته است؛ از حکم و مواظ گرفته تا مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، اعتقادی و هنری؛ از مسائل دنیا تا آخرت، با بیانهای مختلف مانند احتجاج و استدلال عقلی، امثله و قصص؛ در عین حال میان این همه مباحث متنوع و مختلف هیچگونه اعوجاج و اختلافی مشاهده نمی شود بلکه همسوی و یک نواختی شگفتگی در مجموعه این کتاب آسمانی نمایان است. حال اگر این کتاب ساخته دست بشری بود موارد متعددی از اختلاف و عدم هماهنگی و تضاد در آن به چشم می خورد. خود قرآن در این زمینه می فرماید: «افلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا» (نساء: ۸۲) آیا در معانی قرآن نمی اندیشید اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می یافتند. تدبر در قرآن، انسان را با عقلانیت و درک فطری خود به این نتیجه می رساند که این کلام هرگز دچار تحول و دگرگونی نشده است و لازمه این معناست که قرآن اختلاف نمی پذیرد و صاحب این کلام خداوند است که گذشت ایام و تحول و تکامل عالم در او

تأثیر ندارد. (جوان آراسته، ص ۳۷۴ امیر المومنین(ع) در این باره می فرماید: «وذكر ان الكتاب يصدق بعضه بعضا، وانه لا اختلاف فيه» (نهج البلاغه: خطبه ۱۸) بعضی از قرآن مفسر بعضی دیگر است. در خطبه‌ای دیگر حضرت می‌فرماید: کتاب الله تبصرون به و تنطقون به و تسمعون به و ينطق بعضه ببعض و يشهد بعضه على بعضٍ و لا يختلف فى الله و لا يخالف بصاحبه عن الله» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳) این قرآن است که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید و با آن سخن بگویید و به وسیله آن بشنوید، بعضی از قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گوید و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهد. آیاتش در شناساندن خدا اختلافی نداشته و کسی را که همراهش شد از خدا جدا نمی‌سازد.

پس واضح است در قرآن عام و خاص، مطلق و مقید، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، نص و ظاهر، دو وجود دارد و هر یک از این عناوین با عناوین دیگر تفسیر و تبیین می‌شوند. هرچند آیات قرآن درباره ابعاد و عرصه‌های گوناگون نیازهای بشری سخن می‌گوید با این وصف هیچ گونه تناقض و یا حتی اختلافی در آن دیده نمی‌شود و بعضی از قرآن شاهد بعضی دیگر است. نه تنها در قرآن اختلاف و تناقض نیست بلکه بالاتر پاره‌ای از آیات مؤید و مورد استشهاد آیات دیگر است. این یکی دیگر از نکاتی است که نشانگر معجزه بودن آن می‌باشد. از سوی دیگر آیات قرآن در شناساندن خدا اختلاف ندارند. یعنی تمام آیات قرآن در پی یک هدف قانونمند نازل شده‌اند و در مقام تبیین آن هیچ گونه کوتاهی و اختلافی مشاهده نمی‌شود.

این وجه اعجازی دیگری است که صاحبان خرد در مقابل آن متحیرند و جز فرو آوردن سر تسلیم راه دیگری ندارند. تبیین این ویژگی گسترش معارف آن را در عالم رقم می‌زند و تمدن اسلامی جهانی را در پی خواهد داشت.

۳.۱. معانی و معارف والای قرآن و هماهنگی با عقل و فطرت

قرآن علاوه بر زیبایی و اعجاز در الفاظ و عبارت و فصاحت و بلاغت، برخوردار از یک زیبای برتر و ارزش والاتر، یعنی مفاهیم و معانی عمیق و دقیق است. قرآن رسالت خویش را هدایت بشر شناسانده است و کتابی است که پیامبر (ص) با آن مردم را از ظلمت‌ها به نور رهنمود می‌گردد: «کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور» (ابراهیم: ۱) قرآن به عنوان قانون اسلامی در برگیرنده مجموعه‌ای از اصول و ضوابط هماهنگ با فطرت انسانی است که همواره بر تارک اندیشه‌ها چون خورشیدی می‌درخشند و عزت و عظمت را در گرو آشنای و عمل به قوانین خود می‌داند. قرآن در این بخش بدون شک اعجاز است در زمانی که انحطاط در اخلاق و آداب و رسوم اجتماعی به اوج خود رسیده بود و غارت و چپاول امتیاز به حساب می‌آید و دختران زنده به گور می‌شدند و خیانت و فساد و فحشا و بی‌عدالتی فراگیر شده بود. قرآن که پرچمدار مرفعی‌ترین قوانین و مطرح‌کننده ارزشها و فضایل انسانی است ظهور می‌کنند و به مردم صداقت، امانت، اخوت، وحدت و انسانیت را یادآور می‌شود آنان را از جهل به سوی علم، از تاریکی به سوی نور و روشنایی و از رزایل به سوی فضایل سوق می‌دهد.

دهد. در سایه همین تعلیمات و قوانین حیاتبخش است که اسلام شرق تا غرب عالم را فرا می گیرد و پرچم تمدن شکوهمند اسلامی در همه اقطار به اهتزاز در می آید. (جوان آراسته، ص ۳۶۹)

معارف عظیمی در قرآن کریم به تبیین ادله توحید، عدل الهی، نبوت، امامت و معاد پرداخته است و با براهن عقلی و فلسفی و استدلال های منطقی آن ها را اثبات کرده است؛ به گونه ای که عقل بشر و افکار فلسفه بزرگ و دانشمندان جهان از زمان نزول این آیات، تاکنون از درک این مفاهیم عظیم عاجز هستند و در آینده نیز متحیر خواهد ماند. امیرالمومنین (ع) نیز در کلام خود درباره این جنبه اعجاز قرآن معرفی کرده اند: (پهلوان) «فبعث الله محمداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْاَوْثَانِ الِى عِبَادَتِهِ، وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ الِى طَاعَتِهِ، بِقُرْآنٍ قَدْ بَيَّنَّهُ وَ احْكَمَهُ، لِيَعْلَمَ الْعِبَادُ رَبَّهُمْ اِذْ جَهِلُوهُ لِيَقْرَؤُا بِهِ بَعْدَ اِذْ جَهِدُوهُ وَ لِيُثْبِتُوهُ بَعْدَ اِذْ اَنْكَرَهُ فَتَجَلَّى لَهُمْ سِيْحَانَهُ فِى كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ اَنْ يَكُونُوا رَاوِهِ، بِمَا اَرَاهُمْ مِنْ قُدْرَتِهِ، وَ خَوْفِهِمْ مِنْ سَطْوَةِ وَ كَيْفِ مُحَقِّقٍ مِنْ مُحَقِّقٍ بِالْمَثَلَاتِ، وَ اِحْتِصَادٍ مِنْ اِحْتِصَادٍ بِالنَّقِمَاتِ» (نهج البلاغه: خطبه ۱۴۷) خداوند محمد (ص) را به حق مبعوث ساخت تا بندگانش را از پرستش بتها خارسج و به عبادت خود دعوت کند و آنها را از زیر بار طاعت شیطان آزاد ساخته به اطاعت خود سوق دهد (این دعوت را) به وسیله قرآنی که ان را با بیانی روشن و استوار تبیین گردانید، آغاز نمود تا بندگانی که خدای را نمی شناختند پروردگار خویش را بشناسند و همانا که وی را انکار می کردند اقرار به او نماید و تا وجود او را پس از انکار اثبات کنند. بنابر این خداوند پاک و منزّه خود را در کتاب خویش بدون اینکه وی را ببیند به وسیله ایاتی از قدرتش ارائه داده، آنان را از سطوت خویش بر حذر داشته و چگونگی نابودی ملتها و درو شدنشان به وسیله عقوبتها و کیفرها را به آنان ارائه فرموده است.

این ویژگی اعجاز قرآن که معارف والای مطابق با فطرت و عقل را تبیین کرده است، وجه جامعیت و جهانی بودن قرآن را نیز به همراه دارد که سبب گسترش تمدن اسلامی در هر بلاد و هر زمانی می شود.

۱.۳.۱. جامعیت قرآن

از جمله اوصاف برجسته قرآن، جامعیت آن است یعنی احکام و دستورات قرآن به گونه ای است که ویژه زمان و مکان خاصی نیست و از سوی دیگر تمامی نیازهای فردی و اجتماعی انسان را تأمین می کند. حضرت علی (ع) درباره جامعیت قرآن می فرماید: «کتاب ربکم فیکم مبینا حلاله و حرامه و فرائضه، و ناسخه و منسوخه، و رخصه و عزائم، و خاصه و عامه و عبره و امثاله، و مرسله و محدوده، و محکمه و متشابه مفسراً مجمله، مبینا غوامضه بین مأخوذ میثاق علمه.» (نهج البلاغه: خطبه ۱) هم اکنون کتاب پروردگار شما در میان شماست، حلال و حرامش اشکار و فریضه ها و مستحبات، و ناسخ و منسوخ، و مباح و ممنوع، خاص و عام، پندها و مثلها، مطلقها و محدودها، محکمت و متشابهاتش همه معلوم است مجملات آن به برکت محکمت و آیات روشن تفسیر شده تکات پیچسده آن واضح است و آنچه را که پیمان معرفت آن از همه گرفته شده معلوم است.

همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «و فی القرآن نبا ما قبلکم ، و خبر ما بعدکم و حکم ما بینکم» (نهج البلاغه: حکمت ۳۱۳) در قرآن اخبار پیشینیان و مسیر حوادث آینده و حکم و دستور بین شما آمده است .

۱. ۲.۳. جهانی و جاودانگی قرآن

جامعیت قرآن، آن را جهانی و جاودانگی کرده‌است. این موضوع از مهمترین مباحث جهت شناخت این کتاب الهی و یکی از بحث انگیزترین مباحث امروزی است. در نگاه امیر المومنین (ع) قرآن نسخه جامع و جاودانی است که از نیاز های بشر برای رسیدن به سر منزل سعادت و کمال فروگذار نکرده است حضرت درباره جاودانگی قرآن می‌فرماید: «ثم أنزل علیه الكتاب نورا لا تطفأ مصابيحہ، وسراجا لا یخبوہ، توقف وبحرا لا یدرک قعرہ، ومنہاجا لا یضلّ نہجہ، وشعاعا لا یظلم ضوؤہ، وفرقانا لا یخمد برہانہ، وتبیانا لا تہدم کأر انہ، وشفاء لا تخشی أسقامہ، وعزاً لا تہزم أنصارہ، وحقاً لا تخذل أعوانہ» (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۸) پس خداوند بر پیامبرش کتابی را فرستاد که این کتاب نوری است که چراغهایش خاموش نمیشود و چراغی است که فروغش قطع نمیشود و دریایی است که ژرفای آن را نمیتوان درک کرد و راهی است که در آن گمراهی نیست و شعاع تابانی است که تاریک نمیشود و فرقانی است که تابش برهانش فرو نمینشیند و بنیانی است که ارکانش ویران نمیشود و شفایی است که بیم بیماری در آن نیست و عزتی است که یاوران آن دچار شکست نمیشوند و حقی است که یار و یاوران آن درمانده نمیشوند.

هدف حضرت از این بیانات آن است که دوران حقایق و مفاهیم قرآن محدود و موقت نیست و آیات و دستوراتش پیوسته و جاودانی است ، تا آنجا که مفهوم آیاتی که درباره گروه معینی نازل شده عمومیت داشته بر همگان که مورد مشابه آن است.

در بیانی دیگر از حضرت آمده‌است: «وعلیکم بکتاب اللہ، فإنه الحبل المتین، والنور المبین، والشفاء النافع، والری النافع، والعصمۃ للمتمسک، والنجا للمتعلق، لا یعوج فیقام، ولا یزیغ فیستعتب، ولا تخلقه کثرۃ الرد، وولوج السمع، من قال به صدق، ومن عمل به سبق...» (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۶) و به کتاب خدا عمل کنید، زیرا قرآن ریسمانی است محکم و استوار و نوری است آشکار و شفا دهنده‌های است مفید و سیرابکننده‌های است رافع تشنگی و نگاهدارنده‌های است برای آنکس که به آن چنگ زند و نجاتبخشی است برای درآویزاننده به آن. نه کج شود تا راستش گردانند و نه به باطل گراید تا آن را برگردانند و خواندن بسیار و شنیدن زیاد آن را کهنه نمیگرداند، آنکه از روی قرآن سخن گفت، راست گفته و آنکس که بدان رفتار کرد (از دیگران) پیش افتاده. معارف قرآن هرگز تازگی خود را از دست نخواهد داد. این کتاب تراوش مغزهای محدودگر بشری نیست که اگر یک بعد یا یک جهت از شئون انسانی را در زمانی معین بازگو کند، از بیان ابعاد یا از جهات دیگر در همه زمانها ناتوان شود .

هدف حضرت از این بیان این است که زیادی تکرار آن بر زبان ها و درآمدن در گوشها آن را کهنه نمی‌گرداند، معارف قرآن همواره تازگی دارد و هرچه بیشتر خوانده و تکرار شود، دلنشینی و حسن و زیبایی آن بیشتر خواهد بود.

در خطبه‌ای دیگر می‌فرماید: «کتاب الله بین أظهرکم، ناطق لا یعیا لسانه، و بیت لا تهدم أركانہ، وعز لا تهزم أعوانه...» (نهج البلاغه: خطبه ۱۳۳) کتاب خدا در دسترس شماست؛ زبان گویایی است که کند نمی‌شود و خانه‌ای است که پایه هایش ویران نشود و صاحب عزتی است که یارانش را شکست نبود.

این کتاب الهی درباره همه حقایق مربوط به انسان و جهان زبانی گویا و خستگی‌ناپذیر دارد. این زبان خاموش نشدنی است، زیرا مسائل حیات انسانها خاموش نخواهد شد.

امام علی علیه السلام در این فراز از خطبه، اوصافی از قرآن را بیان کرده که هر یک از این اوصاف به تنهایی می‌تواند نشانگر اعجاز آن باشد:

حضرت قرآن را سخنگویی معرفی می‌کنند که هیچ‌گاه زبانش از سخن گفتن خسته نمی‌شود. این مطلب اشاره است به اینکه قرآن درباره تمامی عرصه‌های وجودی انسان و جامعه حرف نو و گفتنی دارد و از آنجا که پرسشها و نیازهای بشر هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد در نتیجه سخن گفتن قرآن و نیاز انسانها بدان نیز به آخر نمی‌رسد.

قرآن را خانه‌ای می‌شمرند که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد. این جمله کنایه است از جاوید بودن و کهنه نشدن قرآن و این وصف در مبحث معجزه بودن قرآن با دلایل گوناگون به اثبات رسیده است.

در بیانی دیگر زوایایی دیگر از این وجه اعجاز قرآن با چند توصیه از حضرت مشاهده می‌شود: «و تعلموا القرآن فانه احسن

الحديث ، وتفقهوا فيه و انه ربيع القلوب ، واستشفوا بنوره فانه شفاء الصدور» (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶) قرآن را فراگیرد که بهترین گفته هاست و در آن بیندیشید که بهار قلبه‌است، از نور آن شفا بجوئید که شفای دل‌های بیمار است.

۱.۴. حق و رفع کننده نیازهای بشر

امام علی بزرگترین مفسر قرآن در خطبه‌های خود فراوان عظمت قرآن را در زمینه‌های مختلف از جمله حق و صادق بودن آن و رفع کردن نیازهای بشر (با ویژگی‌هایی مانند پند دهنده انسانها، بهترین راهنما، سرچشمه علم، غنابخش، شفا دهنده و ...) را همراه توصیه‌هایی بر بهره‌گیری از آن بیان کرده‌اند:

«کتاب الله تبصرون به و تنطقون به و تسمعون به و ينطق بعضه ببعض و يشهد بعضه على بعض و لا يختلف في الله و لا يخالف بصاحبه عن الله» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳) این قرآن است که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید و با آن سخن بگوئید و به وسیله آن بشنوید، بعضی از قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گوید و برخی بر

برخی دیگر گواهی می دهد. آیاتش در شناساندن خدا اختلافی نداشته و کسی را که همراهش شد از خدا جدا نمی سازد.

قرآن نشانگر راه حق از باطل است. زیرا آنچه در آن هست حق و مطابق با واقع است چون از سوی حق محض آمده است.

«واعلموا ان هذا القرآن هو الناس الذی لا یغش، والهادی الذی لا یضل، و المحدث الذی لا یکذب . وما جالس هذا القرآن احد الا قام عنه زیاده او نقصان، زیاده فی هدی، او نقصان من عمی . واعلموا انه لیس علی احد بعد القرآن من فاقه ولا لاحد قبل القرآن من غنی فاستشفوه من ادوائکم واستعینوا به علی لاوائکم، فان فیه شفاء من اکبر الداء: و هو الکفر و النفاق، والعی و الضلال» (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶) آگاه باشید این قرآن پند دهنده‌ای است که انسان را نمی فریبد، هدایت کننده ای است که گمراه نمی سازد و سخنگوی است که هرگز دروغ نمی گوید. هر کس با قرآن مجالست کند از کنار آن با [زیادی] یا [نقصانی] بر می خیزد زیادی در هدایت یا نقصان از کور دلی و جهل. آگاه باشید هیچ کس پس از داشتن قرآن، فقر و بیچارگی ندارد و هیچ کس پیش از آن غنا و بی نیازی نخواهد داشت، بنابراین از قرآن برای بیماری های خود شفا و بهبودی بطلبید و برای پیروزی بر شدائد و مشکلات از آن استعانت جویید. زیرا در قرآن شفای بزرگترین بیماری ها یعنی کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت است.

۱.۵. تناسب قرآن با علوم روز

از دیگر وجوه اعجاز قرآن، اعجاز علمی است که بسیاری را به سوی خود، جذب کرده و اسلام را در قلب آنها و در تمدن آنها

رسوخ داده است. برای نمونه می توان آمار دانشمندان علم نجوم و جنین شناسی و ... از کشورهای مختلف را به اسلام گرویده‌اند،

استخراج کرد تا به این امر اذعان کرد. حضرت علی(ع) به بخشی از این وجوه اعجاز در خطبه‌های مختلف از جمله خطبه اول نهج البلاغه اشاره می کنند.

۲. گسترش تمدن اسلامی با تکیه بر وجوه نقلی و بیانی اعجاز قرآن از دیدگاه امیرالمومنین ع

قرآن کریم علاوه بر وجوه معرفتی و عقلی که نشانگر اعجاز آن است و همه را مبهور خود کرده، در بیان و نقل هم کتابی بی نظیر است و چه بسا گاهی در ابتدا با جذب به بیان خود، افراد را به سوی جنبه‌های معرفتی سوق می دهد. توجه به این زوایای اعجاز قرآن نیز در عصر کنونی، تمدن اسلامی را که قرآن تبیین کرده‌است، ترویج و

گسترش می دهد؛ از همین رو امام علی(ع)، در بیان وجوه اعجاز قرآن به این موارد نیز پرداخته‌اند.

۲.۱. فصاحت و بلاغت قرآن

یکی از مواد اعجاز قرآن جنبه فصاحت و بلاغت است که به آن تحدی شده است، زیرا قرآن زمانی نازل شد که عرب در باب فصاحت و بلاغت به کمال خود رسیده بود. فصاحت کلمه و کلام، خالی بودن آن است از حروف و کلمات ثقیل و سنگین و نامانوس، و بد آهنگ و ناموزون، و همچنین تعبیرات رکیک و سبک و نفرت انگیز و گوش خراش و ناهماهنگ و پیچیده و گنگ و مبهم. بلاغت عبارت است از تناسب کلام به مقتضای و هماهنگی کامل با هدفی که سخن به خاطر آن گفته می شود و به تعبیر دیگر فصاحت، بازگشت به کیفیت الفاظ می کند و بلاغت به ناظر به کیفیت معنی و محتوی است... (مکارم شیرازی، ص ۱۱۴)

حضرت در جملاتی ضمن بیان جاودانگی قرآن با اوصافی، اعجاز لفظی آن را نیز بیان می نماید: و ان القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق ، لا تفنی عجائبه ولا تنقضی غرائبہ ، ولا تكشف الظلمات الا به» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸) قرآن دارای ظاهری زیبا و شگفت انگیز و باطنی پر مایه و عمیق است ، نکات شگف آور آن فانی نگردد و اسرار نهفته آن پایان نپذیرد. هرگز تاریکی های جهل و نادانی جز به آن رفع نخواهد شد. در این جملات به فصاحت و بلاغت اعجاز قرآن بیان شده است که الفاظش بسیار زیبا ، تعبیرات بسیار حساب شده و اینقدر زیبا است که هر قدر انسان آن را بخواند و تکرار کند هرگز خسته نمی شود

۲.۲. سهولت قرآن در گفتن و شنیدن

حضرت علی(ع) آسانی قرآن حق را چنین توصیف می کنند: «کتاب الله تبصرون به و تنطقون به و تسمعون به...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳) این قرآن است که با آن می توانید راه حق را بنگرید و با آن سخن بگویید و به وسیله آن بشنوید...

می توان با قرآن حرف زد. در میان انسانها کسان بسیاری دیده میشوند که تمام مطالب و نیازهای روزمره زندگی را با خواندن آیاتی از قرآن بیان می کنند از جمله این افراد می توان فضّه، خادمه فاطمه زهر علیه السلام سلام الله علیها را نام برد.

با قرآن می شنوید. شاید مقصود از این جمله این باشد که تنها وسیله و راه ارتباطی برای شنیدن دستورات و پیام های الهی قرآن است. (hawzah.net/fa/article/view/)

نتیجه

امیر المومنین ع در کلام خویش جنبه های گوناگونی از اعجاز قرآن را بیان کرده اند که توجه به آنها و ترویجشان، سبب گسترش تمدن اسلامی می شود. تبیین وجوه عقلی اعجاز قرآن مانند: اخبار قرآن از گذشته و آینده (خبرهای غیبی)، هماهنگی و عدم وجود اختلاف در قرآن، معانی و معارف والای قرآن و هماهنگی با عقل و فطرت (جامعیت قرآن، جهانی و جاودانگی قرآن)، حق و رفع کننده نیازهای بشر، تناسب قرآن با علوم روز، راهی برای گسترش تمدن اسلامی می گشاید. علاوه بر آن تبیین وجوه نقلی و بیانی اعجاز قرآن از دیدگاه امیرالمومنین ع مانند فصاحت و بلاغت قرآن، سهولت قرآن در گفتن و شنیدن و... باب دیگری در این زمینه است. بنابراین نباید از نقش قرآن و اعجاز آن در عصر کنونی برای گسترش تمدن اسلامی غافل شد.

گسترش تمدن اسلامی با تکیه بر وجوه اعجاز قرآن از دیدگاه امیرالمومنین (علیه السلام)



منابع

*قرآن

* نهج البلاغه

۱. آدمی، ابرقوی (۱۳۸۷)، **درآمدی بر دانشگاه تمدن ساز اسلامی؛ بایسته‌های نظری**، مقدمه: محمدباقر خرمشاد، تهران: دفتر برنامه ریزی و مطالعات فرهنگی.
۲. پهلوان، منصور،
۳. جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸)، **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، تهران: نشر معارف.
۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، **فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو**، تهران: علمی و فرهنگی.
۵. جوان آراسته، حسین، **درسنامه علوم قرآنی**، سطح ۲؛ قم: مرکز انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. الحاکم النیسابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالل (۱۴۱۱ق)، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. حر عاملی، محمدبن حسن، و قائمی، محمد (۱۳۷۶-۱۴۱۸)، **الفصول المهمه فی أصول الأئمة (تکمله الوسائل)**، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام).
۸. حسکانی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱ق)، **شواهد التنزیل**، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، **علوم قرآن ۲ اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی**
۱۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۶)، **المیزان**، قم: حوزه
۱۱. عمید، حسن (۱۳۸۹)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: بهزاد.
۱۲. مدیریت حوزه علمیه قم (۱۳۸۳)، **درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی**، قم: حوزه علمیه.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷ش)، **پیام قرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴)، **پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران**، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه.

*مقالات

گسترش تمدن اسلامی با تکیه بر وجوه اعجاز قرآن از دیدگاه امیرالمومنین (علیه السلام)

۱۵. اکبری، مرتضی؛ رضائی، فریدون(۱۳۹۴)، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری(مدظله)»، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۳، شماره ۵، پیاپی ۵، فروردین، صص ۸۵-۱۰۸.

*سایتها

۱۶. سایت حوزه hawzah.net/fa/article/view
۱۷. سایت مقام معظم رهبری <https://farsi.khamenei.ir>



دو فصلنامه تخصصی نور المصطفیٰ_ شماره ۱۷- پاییز و زمستان ۱۴۰۲



گسترش تمدن اسلامی با تکیه بر وجوه اعجاز قرآن از دیدگاه امیرالمومنین (علیه السلام)

دو فصلنامه تخصصی نور المصطفیٰ_ شماره ۱۷- پاییز و زمستان ۱۴۰۲



گسترش تمدن اسلامی با تکیه بر وجوه اعجاز قرآن از دیدگاه امیرالمومنین (علیه السلام)